



## درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۲۱ آبان ۱۳۹۸

موضوع جزئی: مسئله ۱۷- جهت سوم: مراد از محارم- بررسی جواز نظر به محارم بالمصاهرة (سببی) در قسم اول و قسم دوم مصادف با: ۱۴ ربیع الاول ۱۴۴۱

حکم نظر به دو قسم دیگر

جلسه: ۲۱

سال دوم

### «الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللین علی اعدائهم اجمعین»

#### خلاصه جلسه گذشته

معلوم شد حکم نظر به محارم سببی در هر دو قسم، چیست و دلیل بر اینها کدام است. در یک قسم از محارم سببی، یعنی آنها که حرمت نکاح در آنها موقتی و قابل زوال است، لایجوز النظر و دلیل آن هم بیان شد. در قسم دوم، یعنی آنها که حرمت ابدی نکاح در آن ثابت است، عرض کردیم یجوز النظر و دو دلیل هم برایش ذکر شد.

#### اشکال به محقق خویی

لکن مرحوم آقای خویی قسم دوم را هم منقسم به دو قسم کرده است. ایشان ابتدا فرموده محارم بالمصاهرة یا محارم سببی، خودش بر دو قسم است: یک قسم حرمتش قابل زوال است و یک قسم حرمتش قابل زوال نیست، وی سپس این قسم دوم را هم به دو قسم تقسیم کرده است. یعنی محارمی که حرمت نکاح با آنها ابدی است بر دو قسم است؛ یک قسم آنهايي هستند که حرمت ابدیه در آن ناشی از علقه زوجیت است و قسم دوم آن دسته محارمی هستند که حرمت ابدی در آنها ناشی از غیر علقه زوجیت است. مثل حرمت حاصل از لعان، حرمت حاصل از زنا به ذات البعل، حرمت ابدی حاصل از طلاق نهم، بعد از نه بار طلاق دادن دیگر زن حرمت ابدی پیدا می‌کند.

ایشان در صدر کلامش فرموده: «فإن المحرمات بالمصاهرة علی قسمین: الأول: ما تحرم حرمة مؤقتة قابلة للارتفاع. الثاني: ما تحرم مؤبداً»، ابتدا می‌فرماید محرمات بالمصاهرة بر دو قسم است: یک قسم آنهايي که حرمتش موقت و قابل ارتفاع است؛ قسم دوم آن مواردی است که حرمت ابدی دارد. آن وقت در اواسط کلامشان اینطور فرموده: «و إن كانت من القسم الثاني، فتارة تكون الحرمة الأبدية ناشئة من العلقه الزوجية، و أخرى تكون ناشئة من غيرها»<sup>۱</sup>، آن چیزی که حرام ابدی است، گاهی حرمت آن ناشی از علقه زوجیت است و اخري ناشی از غیر علقه زوجیت. آن که ناشی از علقه زوجیت است، در جلسه قبل درباره آن بحث کردیم، مثل ام الزوجة؛ این ناشی از علقه زوجیت است و حرام ابدی است و نظر هم جایز است.

اما اینکه ایشان یک قسم دومی هم برای آنها که حرمت ابدی نکاح دارند ذکر کرده و این حرمت را ناشی از غیر علقه زوجیت دانسته، به عنوان قسم دوم از مواردی که حرمت ابدی نکاح دارند، این قابل قبول نیست. چون مقسم این تقسیم محرمات بالمصاهرة است؛ یعنی آن کسانی که به واسطه پیوند زناشویی و علقه زوجیت محرم شده‌اند. ایشان فرمود اینها بر دو دسته‌اند: یک دسته آنهايي که حرمتش موقت است، مثل اخت الزوجة؛ یک دسته آنهايي است که حرمتش ابدی است. آن وقت اینکه

۱. المبانی فی شرح العروة، کتاب النکاح، ص ۵۴.

قسم دوم را بر دو قسم کنند و بگویند تارة این حرمت ابدی ناشی از علقه زوجیت است و آخری ناشی از غیر علقه زوجیت، این یعنی خروج از مقسم. ما محرمات بالمصاهرة را معنا کردیم؛ یعنی آن که نکاح با او حرام است به واسطه علقه زوجیت. لذا این خصوصیت در همه اقسام باید حفظ شود؛ وقتی ما یک چیزی را مقسم قرار می‌دهیم و اقسامی برای آن ذکر می‌کنیم، قهراً می‌بایست این خصوصیت در همه اقسام وجود داشته باشد. آن وقت چطور ایشان می‌گویند در مواردی که حرمت ابدی نکاح ثابت می‌شود، این دو قسم است؛ گاهی ناشی از علقه زوجیت است و گاهی ناشی از غیر علقه زوجیت. همین که شما می‌گویید ناشی از غیر علقه زوجیت است، معنایش این است که شما از دایره مصاهره خارج شده‌اید. این دیگر یک قسمی برای قسم دوم از دو قسمی که مقسم آن محرمات بالمصاهرة هستند محسوب نمی‌شود. این اشکالی است که به مرحوم آقای خوبی وارد است و بعید نیست که این سهو قلم از مقرر باشد که این را به عنوان یک قسمی در عرض آن قسم اول قرار داده است. به هر حال این اشکالی است که بسیار روشن است و قابل قبول نیست.

### **حکم نظر به دو قسم دیگر**

و کیف کان، صرف نظر از این مطلب و اینکه این مورد در ذیل اقسام محرمات بالمصاهرة نباید قرار گیرد، اصلاً فی نفسه می‌خواهیم ببینیم حکم نظر در این موارد چیست. محارم نسبی که گفتیم نظر به آنها جایز است، محارم رضاعی که آن هم ثابت شد نظر به آنها جایز است و محارمی که از طریق مصاهره حرمت نکاح پیدا کرده‌اند به شرط اینکه حرمتش ابدی باشد، آن را هم گفتیم جواز نظر ثابت است. بله، اگر حرمت نکاح موقت باشد، جواز نظر ثابت نیست. به غیر از اینها، یک مورد دیگری هم هست که موجب حرمت نکاح می‌شود و در عین حال جواز نظر ثابت نیست. دو مورد دیگر وجود دارد که اینها جزء اقسام محارم نیستند، چون ما عنوان جهت ثالثه در مسأله هفدهم را این قرار دادیم: فی المراد بالمحارم. اینکه در مسأله هفدهم گفته یجوز النظر الی بدن المحارم، منظور از این محارم چه کسانی هستند؟ گفتیم هم محارم نسبی، هم محارم رضاعی و هم محارم سببی را در بر می‌گیرد به شرط اینکه حرمتش ابدی باشد. دو قسم دیگر هستند که نکاح با آنها حرام است اما عنوان محرم بر آنها اطلاق نمی‌شود و اینها جزء محارم نیستند؛ لذا لایجوز النظر الیهما. آن دو قسم باقی مانده کدامند که یحرم نکاحهن اما لایجوز النظر الیهن.

### **حکم قسم اول**

قسم اول آن مواردی است که حرمت به خاطر زنا با عمه یا خاله اتفاق می‌افتد. اگر کسی معاذالله با عمه یا خاله خودش زنا کند، این موجب حرمت ابدی دختر این عمه یا دختر خاله می‌شود. یا مثلاً زنا بذات البعل؛ اگر کسی با زن شوهردار زنا کند، این موجب حرمت ابدی است. یا طلاق نهم، یا حرمت حاصله از لعان؛ کسی که لعان کند حرمت ابدی پیدا می‌کند. در این موارد با اینکه حرمت ابدی نکاح ثابت است، اما نظر جایز نیست. یعنی این چنین نیست که حرمة النکاح مطلقاً موجب جواز نظر شود. بلکه حرمت نکاح به دو شرط موجب جواز نظر است: ۱. اینکه حرمت، حرمت ابدی باشد. ۲. اینکه این حرمت، حرمت کیفری و عقوبتی نباشد؛ قبلاً در ضمن پاسخ به برخی سؤالات گفته شد، که گاهی از اوقات این حرمت ابدی جنبه کیفر و عقوبت و مجازات دارد. در صورتی که این دو شرط موجود باشد، حرمت نکاح مستلزم جواز نظر است. ۱. اینکه حرمت ابدی باشد؛ ۲. جنبه کیفر و عقوبت نداشته باشد. و الا اگر یکی از این دو شرط مفقود شد، یعنی مثلاً حرمت نکاح باشد اما ابدی نباشد، این لاتوجب جواز النظر؛ یا حرمت ابدی باشد ولی عقوبتاً ثابت شده باشد، اینجا هم لاتوجب جواز

النظر. در این موارد حرمت ابدی نکاح که ثابت شده، این در واقع جنبه کیفر و مجازات و عقوبت دارد. کسی که لعان می‌کند، این حرمت ابدی برای او یک عقوبت است. کسی که طلاق نهم می‌دهد، این سه بار که طلاق داده، باید محلل بیاید و با او ازدواج کند، یعنی یک مجازات خفیف‌تر برای او در نظر گرفته شده بلکه به غیرت او بر بخورد و دیگر بیخودی طلاق ندهد؛ بعد از سه بار باز هم یک فرصت دیگر به او داده شده و یک محلل؛ ولی برای بار سوم اگر این سه تا طلاق را بدهد، اینجا دیگر حرمت ابدی پیدا می‌کند. این کیفر و عقوبت طلاق‌های متعدد برای این شخص است. یا مثلاً نعوذ بالله کسی با عمه و خاله خودش زنا کند، عقوبت و مجازاتش غیر از آن چیزهای دیگر، حرمت ابدی دختر این خاله یا عمه است. در این موارد حرمت ناشی از علقه زوجیت نیست؛ پس چرا نکاح به طور ابدی در این موارد حرام شده؟ این ربطی به علقه زوجیت ندارد؛ این عقوبت و مجازاتی است که شارع برای این اعمال در نظر گرفته است.

لکن مسأله این است که به چه دلیل نظر جایز باشد؟ این یک زن اجنبیه است و درست است نکاح با او حرام است، اما مسأله این است که حرمت نکاح به شرطی موجب جواز نظر است که این حرمت ناشی از علقه زوجیت باشد یا ناشی از نسب و رضاع باشد. در محرمات بالمصاهرة این علقه ناشی از زوجیت است؛ در مورد محارم نسبی این حرمت ناشی از همان خون و گوشت و پوست است، یعنی پیوند خویشاوندی؛ رضاع هم که محلق به نسب است و نازل منزله نسب است. اما در غیر این موارد، ما دلیلی مبنی بر جواز نظر نداریم. لذا قطعاً جواز نظر در مورد این قسم ثابت نیست.

### حکم قسم دوم

قسم دیگری هم اینجا وجود دارد که با اینکه حرمت ابدی نکاح ثابت می‌شود اما لا توجب جواز النظر و این در جایی است که مثلاً کسی قسم بخورد به اینکه با فلانی ازدواج نکند یا در ضمن عقد لازم شرط کند که با فلانی ازدواج نکند؛ مثلاً می‌گوید من این را به تو می‌فروشم به شرط اینکه با فلانی ازدواج نکنی. اینجا اگر این شخص برخلاف سوگند یا برخلاف آن شرطی که در ضمن عقد لازم بوده، با آن فرد ازدواج کند، صرفاً حرمت تکلیفی ثابت می‌شود و حرمت وضعی ثابت نمی‌شود؛ یعنی معصیت کرده است. کسی که سوگند خود را بشکند معصیت کرده، ولی موجب بطلان عقد نیست. اگر برخلاف قسمی که خورده - البته با شرایط شرعی - با آن شخص ازدواج کند، عقد او باطل نیست اما معصیت کرده؛ چون به خاطر سوگندی که خورده، ازدواج با این شخص برای او حرمت تکلیفی داشت. یا مثلاً شرط ضمن عقد را زیر پا بگذارد و برود با آن شخصی که شرط شده بود با او ازدواج نکند، ازدواج کند اینجا حرمت تکلیفی ثابت است. در موارد قبل حرمت وضعی ثابت بود؛ مثلاً نکاح با خواهرزن اصلاً باطل است. یا نکاح پنجم باطل است؛ یا نکاح با خواهر و خواهر رضاعی، باطل است. آن مواردی که در محارم گفتیم، محارم نسبی، رضاعی و بالمصاهرة، حرمت ابدی نکاح که ثابت است، به این معناست که نکاح در هیچ کدام از اینها اصلاً واقع نمی‌شود؛ نکاح صحیح اصلاً محقق نمی‌شود و حرمت وضعی دارند. اما در این قسم، حرمت تکلیفی است.

حال با اینکه حرمت تکلیفی نکاح ثابت است، می‌خواهیم ببینیم یجوز النظر أم لا. به عبارت دیگر بین مواردی که حرمت تکلیفی نکاح در آن ثابت شده و جواز النظر ملازمه هست یا نیست. این شخص قسم خورده که با فلان دختر ازدواج نکند، پس نکاح با او حرمت تکلیفی دارد. حالا سؤال این است که آیا این حرمت تکلیفی موجب می‌شود که بگوییم پس نظر به او

جایز است؟ نه؛ اینجا هم حرمت النکاح لا توجب جواز النظر. چرا؟ برای اینکه ما دلیلی بر جواز نداریم. این زن یک اجنبیه محسوب می‌شود؛ هیچ یک از اسباب اطلاق عنوان محرم هم بر آن صدق نمی‌کند، نه نسباً و نه رضاعاً و نه علقه زناشویی وجود ندارد تا بخواهد از محارم او محسوب شود. تنها یک سوگندی است که موجب حرمت تکلیفی نکاح شده است. این اجنبیه است؛ به چه دلیل نظر به او جایز باشد؟ آن ادله‌ای هم که تغسیل محارم را جایز کرده و ما از آن استفاده کردیم نظر جایز است، آن ادله هم اساساً از این موارد انصراف دارد؛ آن ادله گفته محارم می‌توانند یکدیگر را غسل دهند؛ طبق آن روایات محارم می‌توانند همدیگر را غسل دهند و ما از جواز تغسیل، جواز نظر را استفاده کردیم. چون عادتاً بین غسل و نظر ملازمه وجود دارد.

در آن روایات غسل محارم جایز دانسته شده است؛ محارم یعنی چه کسانی؟ من حرم نکاحه، کسی که نکاح با او حرام است؛ فرق نمی‌کند، چه در ناحیه مرد و چه در ناحیه زن. مَنْ حرم نکاحه چه کسانی هستند؟ اینها را در شرع بیان کرده‌اند. در قرآن بیان شده که نکاح با چه کسانی حرام است. آنها همان چند دسته‌ای هستند که عرض کردم: محارم نسبی، رضاعی و سببی. خارج از مواردی که در کتاب خدا بیان شده، اینها جواز نظر ندارند. بنابراین در این قسم هم جواز نظر ثابت نیست.

### جمع بندی

ما در مورد چند قسم اینجا بحث کردیم؛ جواز نظر به پنج گروه را مورد بررسی قرار دادیم. یک گروه محارم نسبی بودند که ثابت شد جواز نظر به آنها، الا العورة که عورت در همه اینها استثنا شده است. یعنی اینها اجنبی نیستند. گروه دوم محارم رضاعی بودند که معلوم شد نظر به آنها هم جایز است؛ دلایل هم گفته شد.

در همه اینها عمده دلیل این فتاواست، اینجا بحث استدلالی است و شما هم باید در بین این مباحث با نحوه استدلال آشنا شوید؛ یعنی اینها در حقیقت تمریناتی است، این فروعی که ما اینجا بحث می‌کنیم و ادله را مطرح می‌کنیم و مورد نقد و بررسی و اشکال قرار می‌دهیم، هر کدام از این مسائل یک تمرین است و اگر شما پا به پای این مسائل همراهی کنید و کار کنید و مطالعه کنید، گام به گام به اجتهاد نزدیک می‌شود. اجتهاد همین است؛ اجتهاد یعنی اینکه انسان قدرت و توانایی داشته باشد از ادله، حکم را استفاده کند. همین مسأله هفده را شما مشاهده کردید که چقدر بحث داشت؛ اگر هر جلسه با این سیر بحث همراهی کنید، یعنی واقعا آمادگی داشته باشید، قبل از کلاس مطالعه کنید و ذهنتان را به کار بیندازید، نقد و اشکالاتی که می‌شود را به راحتی نپذیرید؛ حتی حرف‌های من را باید شما روی آن فکر کنید که اینها چقدر استحکام و چقدر ضعف و اشکال دارد. ما در همه این مسائل سعی می‌کنیم هیچ قول و دلیلی را فروگذار نکنیم. اجتهاد همین است؛ شما هم این را یک امر دور از دسترس ندانید؛ نگوئید ما که نمی‌خواهیم مجتهد شویم. چرا نمی‌خواهید مجتهد شوید؟ وقتی توانایی دارید باید مجتهد شوید؛ اگر استعداد دارید ولی دنبال نکنید، مسئول هستید. یک طلبه با استعداد و درس‌خوان را مؤاخذه می‌کنند که چرا مجتهد نشدی؟ این اصلاً وظیفه شماست. بله، یک کسی توانایی محدود دارد؛ حتی استعدادهای متوسط با کار و تلاش و کوشش و پیگیری به مراتب عالی علمی دست پیدا می‌کنند و استعدادهای نسبتاً قوی در اثر کم کاری درجا می‌زنند و متوقف می‌شوند.

شما بسیاری از دانشمندان را نگاه کنید؛ همه اینها نبوغ علمی خاصی نداشتند، استعداد یا هوش فوق العاده نداشتند. بخشی از آنها کسانی بودند که کار و تلاش شبانه‌روزی داشتند. همه آنها مشکلات داشتند، کمتر کسی در بین آنها بوده که مشکل نداشته و همه چیز برای او مهیا بوده است. زندگی‌های آنها را ببینید که با چه سختی‌هایی دست و پنجه نرم کردند؛ چه در حوزه و دایره علوم اسلامی و چه در خارج از دایره علوم اسلامی. آن انگیزه و عشق و علاقه باشد، باید این سختی‌ها را تحمل کرد. عرض من این است که برای دستیابی به قدرت استنباط و اجتهاد هیچ روزی را رها نکنید و به امید فردا نباشید. الان بیایم و برویم، دیگر فرصت و زمانی نیست؛ اینطور که زمان مخصوصی را برای شما نگه دارند و شما را ببرند در آن زمان و آن اتفاق بیفتد. همه اینها در همین ایام، همین روزها، همین رفت و آمدهای عادی که ما برای آن اهمیت قائل نیستیم، شکل می‌گیرد. توانمندی علمی و رشد علمی و مسائل اخلاقی هم همین است؛ در همین رفت و آمدهای روزانه و عادی، همین آدم‌ها هر روز با هم می‌آیند و می‌روند اما یکی روز به روز دارد این پله‌ها را طی می‌کند و بالا می‌رود و یک کسی اینجا می‌آید و وقتی بیرون می‌رود، کأن با قبل از آمدن هیچ فرقی نکرده است. چون اینجا که نشسته حواسش در کوچه و خیابان است و اصلاً فکر نمی‌کند و زحمت فکر کردن به خودش نمی‌دهد و تلاش نمی‌کند. بله، اینکه آدم بخواهد تمرکز کند مقداری سخت است؛ اینکه آدم تلویزیون نگاه کند، بگو و بخند داشته باشد، این راحت است و طبع آدم با این بیشتر سازگار است. زحمت می‌خواهد؛ هیچ کسی در هیچ رشته‌ای بدون زحمت به هیچ کجا نرسید.

همین روزها و همین لحظه‌ها و فرصت‌ها برای شما فرصت‌های طلایی و سازنده آینده علمی و غیرعلمی شماست. این فرصت‌ها و لحظه‌ها دیگر تکرار نمی‌شود. ایام جوانی بهترین فرصت برای پرداختن به این امور است. کسانی که شخصیت‌های بزرگ علمی شدند در طول تاریخ، شیخ انصاری هم با جمع زیادی می‌رفت کلاس، آدم‌هایی پایین‌تر از ایشان. همه با هم می‌رفتند و می‌آمدند اما کسانی که این فرصت‌ها را قدر دانستند، بالاخره رشد کردند. واقعا این فرصت‌ها حیف است؛ نکند که چند سال در این درس‌ها و در بحث‌ها شرکت کنید و برایتان از این جهت ثمره‌ای نداشته باشد.

به هر حال ملازمه‌ای که ما این چند روز درباره آن بحث می‌کردیم که بین حرمت نکاح و جواز نظر وجود دارد، این ملازمه مطلق نیست. ما می‌گوییم حرمت نکاح با جواز نظر ملازمه دارند به شرطها و شروطها؛ اگر آن شرایط موجود باشند این ملازمه ثابت است. این را به عنوان یک قاعده فقهی در باب نکاح می‌توانیم از آن یاد کنیم. این یک قاعده فقهی است؛ الملازمة بین حرمة النکاح و جواز النظر. منتهی شرط دارد؛ شرط آن چیست؟ حرمت نکاح ذاتی یا عرضی یا ناشی از زوجیت باشد؛ عقوبت و کیفر نباشد، قابل زوال نباشد و حرمت تکلیفی محض هم نباشد. اگر این شرایط و امور فراهم شد، این ملازمه ثابت است. پس در جایی که حرمت تکلیفی محض هست، جواز نظر ثابت نیست. در جایی که حرمت موقت است، جواز نظر ثابت نیست؛ در جایی که حرمت ناشی از اموری است غیر از زوجیت، غیر از رضاع، غیر از پیوندهای خویشاوندی، جواز نظر ثابت نیست. اگر حرمت ابدی نباشد، جواز نظر ثابت نیست ولی اگر این شرایط فراهم باشد، می‌توانیم ادعا کنیم ملازمه بین حرمت نکاح و جواز نظر را.

«والحمد لله رب العالمین»